

تحولات سگبانی در دیوانسالاری عثمانی^۱

حسن حضرتی

استادیار دانشگاه تهران، گروه تاریخ، تهران، ایران

طاهر بابایی^۲

دانش آموخته دانشگاه تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

چکیده

سگبانی، از مشاغل درباری دولت‌های مسلمان ایرانی و عثمانی، جایگاه ویژه‌ای در امور مربوط به شکار داشته است. این شغل در نظام دیوانسالاری عثمانی-نسبت به تشکیلات اداری سایر حکومت‌ها- برجسته‌تر شده و از جهت وظایف و اهمیت دگرگونی‌های بسیاری است. شرایط حاکم بر دیوانسالاری عثمانی، سگبانان را ناگزیر می‌کرد که به‌صورت فرعی به نظامی‌گری نیز بپردازند. به‌مرور زمان، وظایف درباری سگبانان به فراموشی سپرده شد و آنان صرفاً در امور نظامی به‌کار گرفته شدند. استمرار نظامی‌گری سگبانان موجب شد که در آثار دوره عثمانی واژه سگبان با واژه جنگجو مترادف شود.

کلیدواژه‌ها: دیوانسالاری عثمانی، سگبان، تشکیلات درباری و نظامی.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۹/۲۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۱/۶.

۲. نویسنده مسئول، پست الکترونیک: taherbabaei65@gmail.com

مقدمه

سگبان واژه‌ای پارسی است که در ادبیات فارسی سابقه‌ای کهن دارد. وجود واژه‌ای کمابیش مشابه آن (سگ‌بند) در نخستین چامه فارسی، به رواج این شغل در ادبیات دربار آن دوران اشاره دارد.^۱ در حکومت‌های ایرانی پیش از عثمانی، سگبانی شغلی پست محسوب می‌شد و وظیفه سگبان نگهداری از سگ‌های شکاری در مکانی به نام «سگ‌خانه» بود.^۲ این پستی جایگاه سبب شده بود که در مقام تضرع و بیان فرمانبرداری از حاکم(شاه)، از این عنوان استفاده شود. سگبانی از طریق ایلخانان به تشکیلات صفویه راه یافت^۳ و سگبانان ایران در دوره صفویه اهمیت فزاینده یافتند. در این دوره سگبانان زیر فرمان «سگبان‌باشی» قرار داشتند و از زیرمجموعه‌های تشکیلات «میرشکارباشی» به‌شمار می‌آمدند. وظیفه سگبانان این دوره، نگهداری از سگ‌های شکاری و نیز سگ‌های مورد استفاده برای مجازات مجرمان در محلی موسوم به «سگبان‌خانه» بود.^۴ این رویه با اندکی تغییر و به صورتی کم‌اهمیت‌تر در دوره قاجار نیز مشهود است و نیز در میان نوکران افراد بانفوذ درباری، تعدادی سگبان نیز وجود داشت.^۵ در دولت عثمانی نیز وظیفه سگبانی بیشتر با شکار در پیوند است. به نظر می‌رسد استفاده عثمانیان از عنوان سگبان برای چنین شغلی، به تأسی از دولت‌های ایرانی بوده باشد. با توجه به

۱. محمد بن وصیف سیستانی، سراینده نخستین شعر فارسی در دستگاه صفاریان:

ای امیری که امیران جهان خاصه و عام/ بنده و چاکر و مولای و سگ بند و غلام (تاریخ سیستان، ۲۱۰).
در اشعار انوری و سنایی از شاعران درباری غزنویان نیز واژه سگبان به کرات ذکر شده است:

انوری: دل کدامی سگ بود، جایی که صد جان عزیز/ در رکاب کمترین شاگرد سگبان می‌رود
تا روز چند بینی سگبانش بر نهاده/ شیر مرا قلاده همچون سگ مُعَلَّم
آسمان را گر نوید جامه سگبان دهی/ در زمان ذراعۀ پیروزه از سر برکشد
سنایی: از برای جاه سلطان نزی پی سگبان و سگ/ دل مَحَطَّ رحل سگبانان سلطان داشتن
ندارد طاقت مدح ز ممدوحان عالم کس/ و گر اسب کسی سگبانش نعل از زیرقان دارد
تو بر ره همچو اصحابی که خود میریست مر ره را/ چه عیب آید اگر باشند آن اصحاب، سگبانان

۲. آقسرای، ۱۹؛ ابوالرجاء قمی، ۹۹

۳. جوینی، ۱۸۷/۱؛ نخجوانی، ۲۰۴/۱؛ شبانکاره‌ای، ۱۷۲/۲، ۲۵۳

۴. کمپفر، ۱۵۳، ۲۳۹؛ تاورنیه، ۷۵؛ کارری، ۱۹۲؛ شاردن، ۱۲۲۵/۳-۱۲۲۶؛ نصیری، ۲۵.

۵. عین السلطنه، ۳۱۳۹/۴؛ دروویل، ۱۹۷، ۲۳۶؛

لازم به ذکر است که در دربار گورکانیان هند نیز سگبانان با همان وظایف نگهداری از سگ‌ها و حضور در شکار، در مکانی به نام سگ‌خانه به فعالیت می‌پرداختند(عقیف، ۳۳۷؛ توزک جهانگیری، ۶۱).

اینکه نقطه تلاقی دولت عثمانی و دولت‌های ایرانی، دوران سلجوقیان (۴۳۱-۵۹۰ ق) است، می‌توان نتیجه گرفت که این اصطلاح از طریق این حکومت به تشکیلات عثمانی راه یافته و ساختار دیوانسالاری سلجوقیان روم (۴۷۳-۷۰۷ ق)، بیشترین تاثیر را بر عثمانیان داشته است؛ اما سگبانی در دولت عثمانی، دچار دگرگونی‌های بسیاری از جهت وظایف شد. وسعت دگرگونی در وظایف سگبانان تا بدان حد بود که به تدریج وجه تسمیه اولیه سگبان فراموش گردید. چنان‌که وظایف سگبان مطلقاً به آنچه در مفهوم اولیه نام آن وجود داشت، دلالت نمی‌کند.

مسئله پژوهش حاضر، علل تحولات مفهوم سگبان در دیوانسالاری عثمانی است که در آن، تأثیر شرایط حاکم بر دولت عثمانی - که موجب به‌کارگیری سگبانان می‌شد - در پیدایی دگرگونی‌های سگبانان در حیطة وظایف و اهمیت، بررسی می‌شود.

پرسش‌هایی که این جستار به دنبال یافتن پاسخی برای آن است، عبارت‌اند از:

۱. علل فعالیت‌های نظامی سگبانان در آغاز سازماندهی چه بود؟
۲. چه عاملی موجب شد تا دسته سگبان در اوجاق ینی‌چری ادغام گردد؟
۳. وظایف سگبانان چه تأثیری بر تحولات در مفهوم اصطلاح سگبان داشت؟
۴. فراز و فرودهای اهمیت سگبان تحت تاثیر چه عواملی صورت گرفت؟
۵. برداشت نظامی از اصطلاح سگبان متأثر از چه عواملی بود؟

ایجاد سازمان درباری سگبان در دولت عثمانی

ترکان همواره سنت شکار را با هدف آموزش‌های مختلف - به‌خصوص آموزش‌های نظامی - پیگیری می‌کردند. این سنت، در میان اخلاف عثمانی آنان نیز تداوم یافت؛ از این رو، در دربار عثمانی دسته‌هایی برای آموزش سگ‌های شکاری به خدمت گرفته شدند که همانند دسته مشابه خود در حکومت‌های ایرانی، «سگبان» نامیده می‌شدند.^۱ واژه سگبان که در متون به شکل «سکبان» نوشته می‌شد، دارای اشکال نوشتاری دیگری نظیر «سکبان»،^۲ «سگبان»،

1. Özcan, "Sekban" (in TDVIA).

2. Uzunçarşılı, 1/ 162- 166. (Sekban)

«سِغَمِن»^۱ و «سِگَمِن»^۲ نیز بود. این واژه در میان عوام، به شکل نادرست «سِیمِن» به کار برده می‌شد.^۳

نخستین باری که در اثری مکتوب به سگبان اشاره شده، در وقفنامه‌ای متعلق به سده هشتم هجری است.^۴ سگبانان در اوایل دوره عثمانی و از سال ۶۸۷ تا ۷۶۲ هـ عموماً شکارچیان پیاده بودند^۵ و با گروه‌های دیگری که در کار پرورش سگ‌ها بودند، همکاری می‌کردند. این گروه‌ها با نام‌های «صامسونجی» و «زَغَرَجی» به مراقبت از گونه‌های خاصی از سگ‌های شکاری اشتغال داشتند.^۶ گروه‌های مذکور به عنوان زیرمجموعه سگبانان و یا به موازات آنان انجام وظیفه می‌کردند. ایجاد دسته سگبان به عنوان یک سازمان درباری در دیوانسالاری عثمانی، به دوران مراد اول (حک: ۷۲۷-۷۶۲ هـ) باز می‌گردد. این سازمان نوبنیاد، در دوره بایزید اول - ملقب به ایلدرم- (حک: ۷۹۲-۸۰۵ هـ) به تکامل رسید.^۷ در این دوره، دسته سگبانان به دو بخش پیاده و سواره تقسیم می‌شد. سگبانان پیاده در رکاب سلطان و همراه وی به شکار می‌رفتند.^۸ بخش سواره سگبانان متشکل از فرزندان فرماندهان نظامی بودند که وظیفه رساندن رساندن سگ‌های شکاری را به محل شکار بر عهده داشتند.^۹ بدین ترتیب، سگبانان که در امور شکار به فعالیت می‌پرداختند، به عنوان گروهی درباری سازمان‌دهی شدند.

در اوایل تشکیل دولت عثمانی، سگبانان در مواقع لزوم به امور فرعی و غیر تخصصی خویش یعنی امور نظامی نیز می‌پرداختند. اولین حضور نظامی سگبانان به همان دوره تشکیل سازمان درباری آنان (دوره مراد اول) باز می‌گردد. در این دوره در میان نیروهایی که برای رویارویی با «صوممنوز»^{۱۰} -پادشاه بلغار- فرستاده شده بودند، نام «سگبان‌باشی» (به عنوان فرمانده

1. Küçük, 83, dipnot 200. (Seğmen), (Segban)

2. Nicolle, 28. (Segmen)

۳. شوکت، ۳/۱؛ جوادپاشا، ۱/۱۱

Uzunçarşılı, 1/ 162. (Seymen)

4. Aksan, "Segban" (in EI2).

5. Pakalın, 3/ 145.

6. İibid

7. Uzunçarşılı, 1/ İibid.

8. idem, 1/ 162, 165,

سگبانان پیاده برای تمایز با بخش سواره، پیراهن‌های بلند دامن‌داری به تن می‌کردند.

9. Hezarfen, 144; Uzunçarşılı, 1/ 165.

10. Sosmanoz

سگبانان) به چشم می‌خورد.^۱ در اوایل، سگبانان تنها در رکاب سلطان عازم میدان جنگ می‌شدند؛ اما بعدها این رویه از میان برداشته شد و سگبانان به طور مستقل و تحت فرمان سگبان‌باشی به جنگ فرستاده می‌شدند.^۲ استفاده از سگبانان به عنوان نیرویی نظامی تا زمان سلطان محمد فاتح (حک: ۸۵۵-۸۸۶ هـ) به دلیل نیازهای اضطراری صورت می‌گرفت و از این دسته به منظور نیروی نظامی کمکی استفاده می‌شد؛ اما کماکان وظیفه اصلی آنان در دربار متمرکز بود.

سازماندهی سگبانان به عنوان یکی از بخش‌های نظامی مرکز دولت

در دوره شکل‌گیری دولت عثمانی، نیروی نظامی این دولت را گروه‌های نامنظم عشیره‌ای و ایالتی تشکیل می‌دادند که بیشتر با هدف جهاد با دارالکفر به نظامی‌گری روی آورده بودند. با گسترش قلمروی عثمانی، وجود ارتشی ثابت و منظم برای توسعه بیشتر و محافظت از سرزمین‌ها الزامی بود. از این رو، ارتشی ثابت ایجاد شد که به مجموعه آنان اوجاق^۳‌های «قاپی‌قولو/ قپوقلی»^۴ گفته می‌شد. قدرتمندترین بخش قاپی‌قولوها یکی از بخش‌های پیاده نظام بود که «ینی‌چری» (سپاه نو) نام داشت.^۵ با افزایش قدرت ینی‌چریان و شورش‌های پی‌درپی آنان، این دسته نظامی به عنصری خطرناک برای سلاطین عثمانی تبدیل شد.^۶ از این رو سلطان محمد فاتح در سال ۸۵۵ هـ برای رفع آشوب‌های ینی‌چریان و مهار آنان، تعداد سگبانان را در امور شکار کاهش داد و شمار بسیاری از آنان را باینی‌چریان ادغام کرد.^۷ هامر

1. Neşri, 1/ 163.

2. Uzunçarşılı, 1/ 163.

۳. واژه‌های ترکی است که اصطلاحاً به گروهی اطلاق می‌شود که افرادش در مکانی واحد مستقر باشند (صابان، ۴۲). در دوره عثمانی این اصطلاح برای بخش‌هایی از نیروی نظامی سلطان که نیروی زمینی و دریایی را تشکیل می‌دادند، اطلاق می‌شد (الخطیب، ۵۴). به جای این واژه، می‌توان از «تشکل» و «بنیاد» استفاده کرد (pakalın, 2/ Iibid).

۴. غلامان دربار (Kapukulu).

۵. نشانچی، ۱۱۹-۱۲۰؛ جوادپاشا، ۱/ ۳۳؛ Uzunçarşılı, 1/ 144؛ Hezarfen, 143.

۶. ینی‌چریان با شورش‌های خود در دوره مراد دوم (حک: ۸۲۴-۸۵۵) و محمد فاتح آشکارا رو در روی سلاطین عثمانی قرار گرفتند. Uzunçarşılı, 1/ 506- 507.

۷. هامر پورگشتال، ۱/ ۴۶۱.

پورگشتال شمار سگبانانی را که به ینی‌چریان افزوده شده بودند، هفت هزار نفر ذکر می‌کند.^۱ گرچه این رقم مبالغه‌آمیز می‌نماید، اما نشان‌دهنده تعداد قابل توجه سگبانان در این دوره است. با اصلاحات نظامی محمد فاتح، سگبانان شصت و پنجمین «اورتة»^۲ ینی‌چریان را تشکیل دادند.^۳ بدین ترتیب، اوجاق ینی‌چری به سه دسته یایابک یا سرپیادگان، بلوکی یا آغابلوک و سگبانان تقسیم شد.^۴

اورتة سگبانان برحسب وظایف افراد به بلوک‌های متعددی تقسیم می‌شد که برخی از آنان آنان اهمیت بیشتری داشتند. مهم‌ترین بلوک سگبانان، بلوک «آوجی» (شکارچی) نام داشت که سی و سومین بلوک سگبانان به شمار می‌رفت.^۵ اهمیت این بلوک به سبب حضور فرزندان دولت‌مردان و فرماندهان نظامی در آن بود. فرماندهی این بلوک بر عهده «سرشکار»^۶ بود که از میان باسابقه‌ترین افراد بلوک برگزیده می‌شد.^۸ انجام امور مربوط به شکار که وظیفه اولیه سگبانان بود، در این بلوک ادامه یافت و افراد آن با کلاهی موسوم به «شب‌کلاه»^۹ از سایرین متمایز می‌شدند.^{۱۰} دیگر بلوک بااهمیت، هجدهمین بلوک سگبانان یعنی بلوک «کاتب سگبانان» بود که در روند توزیع مواجب سگبانان به ایفای وظایف می‌پرداخت.^{۱۱} علاوه بر بلوک‌های مذکور، مناصب متعددی نظیر «طورنه‌چی‌باشی» (درناچی باشی/ مسئول پرندگان شکاری)، «زغرچی‌باشی» (مسئول سگان تازی)، «محضرآغا» (فرمانده اوطه^{۱۲}‌های نامعین دسته‌های آغابلوک)، «کتخدای سگبانان» (معاون فرمانده)، «باش‌چاوش» (مسئول انتقال و

۱. همانجا.

۲. اورته یا اورطه به دسته یا واحدی نظامی گفته می‌شد و از واژه اردو گرفته شده است (الخطیب، ۵۳، ۵۴). گاهی به جای اورته از واژه بلوک نیز استفاده می‌شد (pakalın, 2/730).

3. Uzunçarşılı, 1/ 162.

۴. شوکت، ۳/ ۱؛ جوادپاشا، ۱/ همانجا؛ Hezarfen, Iibid.

۵. به معنی دسته‌ای که زیرمجموعه اورته و بزرگ‌تر از اوطه بود.

6. Hezarfen, 149; Özcan, Iibid.

7. Sér şekari

8. Hezarfen, Iibid; Uzunçarşılı, 1/ Iibid.

9. Şeb külah

10. Hezarfen, Iibid.

11. Uzunçarşılı, 1/ 163; Pakalın, 3/ 149.

۱۲. به معنی اتاق و واحد کوچک نظامی، زیرمجموعه اورته.

اعلان اخبار، «بیرقدار» (پرچم‌دار/ مسئول دسته‌هایی به نام بیرق^۱) و «اوطه‌باشی» (سرکرده‌ی اوطه) در دسته سگبانان وجود داشت که بر وجود دسته‌های کوچک‌تر در زیرمجموعه بلوک‌ها دلالت می‌کند.^۲ باید متذکر شد که مناصب طورنه‌جی‌باشی و زغرچی‌باشی بررغم نامشان که به امور شکار مربوط می‌شد، وظایفی کاملاً نظامی داشتند.

اورته سگبانان زیر فرمان «سگبان‌باشی» قرار داشت.^۳ سگبان‌باشی یا سرسگبان اغلب از منصب زغرچی‌باشی به این مقام ارتقا می‌یافت. وی علاوه بر فرماندهی سگبانان، اداره جنگل‌های «روم‌ایلی»^۴ و تعیین جنگل‌بانان را نیز بر عهده داشت و می‌توانست مناصب «سنجاق‌پیگی» و «قاپوچی‌باشی» را بر عهده بگیرد.^۵ سگبان‌باشی در دوران اولیه الحاق سگبانان به اوجاق‌ینی‌چری، از فرماندهان بانفوذ نظامی محسوب می‌شد و پس از ینی‌چری‌آغاسی (فرمانده ینی‌چریان)، بالاترین درجه را دارا بود.^۶ از جمله امتیازات وی، حضور در دیوان همایون (دیوان عالی عثمانی) بود.^۷

فراز و نشیب‌های اهمیت سگبانان

چنان‌که پیش از این گفته شد، سگبانان در ساختار درباری حکومت‌های ایرانی اهمیت چندانی نداشتند و به همین دلیل در زبان فارسی از این سمت به عنوان شغلی کم‌ارزش و برای بیان خدمت‌گزاری و فرمان‌برداری یاد شده است؛^۸ حال آنکه سگبانان در دولت عثمانی از اهمیت و

۱. بخش‌های مختلف نظامی عثمانی به دسته‌های ۵۰ تا ۶۰ نفری تقسیم می‌شدند که هر دسته، بیرقی مخصوص به خود داشت و دسته‌ها با آن بیرق‌ها شناخته می‌شدند. به مرور زمان نام بیرق به این دسته‌ها اطلاق گردید (شوکت، ۱/ ۱۸۱: ۱۰ / Pakalın, 1/ 181).
۲. شوکت، ۳/ ۱؛ Hezarfen, Iibid.
۳. نوری پاشا، ۱/ ۱۴۲.
۴. بخش اروپایی مملکت عثمانی
۵. عین علی افندی، ۱۱۱؛ Özcan, Iibid.

6. Uzunçarşılı, 1/ 193.

7. Pakalın, 3/ 147.

۸. رودکی: برای پرورش جسم و جان چه رنجه کنم/ که حیف باشد روح القدس به سگبانی

خاقانی: کمترین اقطاع سگبانان اوست/ قندهار و قیروان در شرق و غرب

سگبانت شه فرنگ یابم/ دربان شه عسقلان ببینم

نظامی گنجوی، خمسه (مخزن الاسرار): دین سره نقدی است به شیطان مده/ یاره فغفور به سگبان مده

خمسه (لیلی و مجنون): سگبانی تو همی‌گزینم/ در جنب سگان از آن نشینم

اعتبار والایی برخوردار بوده‌اند. در دوره حکمرانی سلطان محمد فاتح که از سگبانان برای مهار شورش ینی‌چریان و تعدیل قدرت در میان اوجاق آنان بهره گرفته شده بود، اهمیت این دسته افزایش یافت، تا جایی که سگبان‌باشی به بالاترین مقام ینی‌چریان و فرماندهی آنان نائل شد.^۱ با این انتصاب، سگبانان به مهم‌ترین عنوان نظامی دولت عثمانی دست یافتند، اما به دلیل جلوگیری از شورش دوباره ینی‌چریان، این امتیاز سگبانان لغو شد و سگبان‌باشی به درجه دوم اهمیت تنزل کرد.^۲ پس از این تنزل جایگاه، بایزید دوم (حک: ۸۸۶-۹۱۸ هـ) کوشید تا جایگاه سگبانان را ارتقا بخشد؛ از این رو، در دوره حکومت وی ۹۰۰ تا ۲۷۰۰ نفر تحت عنوان سگبان و زغرچی به خدمت گرفته شدند^۳ و با ارتقای مجدد جایگاه سگبانان، سگبان‌باشی به مقام محافظت از سلطان دست یافت.^۴ پس از بایزید دوم و در زمان سلطنت سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۴ هـ) سگبانان به یکباره اهمیت خود را از دست دادند. علت این امر، شورش ینی‌چریان و ناتوانی سگبانان در جلوگیری از این شورش بود که در پی آن، سگبان‌باشی به دستور سلیم اول اعدام شد و با انجام اصلاحاتی در سازمان ارتش، جایگاه سگبان‌باشی پس از ینی‌چری‌آغاسی و «قول‌کتخداسی» در رتبه سوم اهمیت قرار گرفت.^۵ اهمیت سگبان‌باشی در دوره مراد سوم (حک: ۹۸۲-۱۰۰۳ هـ) تا حدودی اعاده شد و بار دیگر به عنوان معاون ینی‌چری‌آغاسی تعیین گردید.^۶ پس از این انتصاب، سگبانان توانستند شمار خود را تا زمان مراد چهارم (۱۰۳۲-۱۰۴۹ هـ) به بیش از سه برابر افزایش دهند،^۷ اما در حوزه اقتدار نظامی، ینی‌چریان گوی سبقت را از سگبانان ربوده و آنان را به لحاظ نفوذ و قدرت به حاشیه رانده بودند؛ بدین ترتیب،

قالی: اجر یک روزه سگبان جلالش نبود/ هر چه در خوان بقا محضر آمیخته اند
وحشی بافقی: عجب نبود که دارد گرگ پاس گله‌اش چون سگ/ اگر سگبان در گاهش کند آهنگ سلطانی
(نک. درگاه گنجور www.ganjoor.net)

1. Pakalın, 3/ Ibid.

2. Ibid.

3. Lybyer, 131, dipnot 5;

در این اثر به جای سگبان و زغرچی، نام سگبان‌باشی و زغرچی‌باشی ذکر شده است که نادرستی آن آشکار و احتمالاً سهواً قلم مولف بوده است.

4. Uzunçarşılı, 2/ 192.

۵. وفیق بک، ۱۶۹.

6. Özcan, Iibid.

۷. قوچی بک، ۱۴، ۷.

سگبان‌باشی در سده یازدهم به منصبی بی‌اهمیت تبدیل شد.^۱ از این سده به بعد، مسئولیت وی به این محدود شد که در مواقعی که ینی‌چری‌آغاسی با سپاه سلطان به سوی لشکرکشی می‌کرد، وی با عنوان «فائهمقام آغا» در استانبول می‌ماند و وظایف ینی‌چری‌آغاسی را برعهده می‌گرفت.^۲ بر این اساس به سگبان‌باشی «معاون ینی‌چری‌آغاسی» نیز گفته می‌شد.^۳

سگبانان از دوره محمد فاتح تا عصر تنظیمات در دوره سلیم سوم (حک: ۱۲۰۳-۱۲۲۲هـ) جایگاه خود را به عنوان نیرویی نظامی تثبیت کردند. موقعیت نظامی این دسته آن‌چنان برجسته شده بود که در منابع دوره صفوی، در وصف نیروهای ارتش عثمانی، از سگبانان به عنوان «نیروی خاصه» یاد شده است.^۴

برداشت کامل نظامی از اصطلاح سگبان در استانبول و ایالات

الف) استانبول. با ادغام سگبانان در اوجاق ینی‌چریان، وظایف آنان در کارهای مرتبط با شکار کم‌رنگ گردید و بر وظایف نظامی آنان افزوده شد. تأکید بر جنبه نظامی سگبانان چندان افزایش یافت که از سگبان، معنای نیروی جنگاور برداشت می‌شد. از همین رو، پس از تشکیل «نظام جدید»،^۵ به ارتش نوبنیاد، «سگبان جدید»^۶ اطلاق شد. سگبان جدید در سال ۱۲۲۳هـ-۱۲۲۳هـ به دست علمدار مصطفی پاشا، صدراعظم محمود دوم (حک: ۱۲۲۲-۱۲۵۵هـ) ایجاد گردید.^۷ ایجاد این دسته، در پی افزایش بی‌نظمی میان ینی‌چریان و احساس نیاز به عاملی برای

1. Uzunçarşılı, 1/ 193.

۲. وظایف ینی‌چری‌آغاسی در استانبول مواردی نظیر رسیدگی به نظم و انضباط استانبول، بازدید از کوچه‌ها و اصناف، تنبیه متخلفان و مجرمان و همراهی وزیر اعظم در آتش‌سوزی‌ها بود که در مقایسه با وظایف نظامی اهمیت چندانی نداشت. (شوکت، ۱/ ۴۹-۵۰؛ جواد پاشا، ۱/ ۱۷-۱۹؛ Uzunçarşılı, 1/ 187-188).

۳. شوکت، ۱/ ۵۹؛ جواد پاشا، ۱/ ۲۱؛ نوری پاشا، ۱/ همانجا؛ 192. Hezarfen.

۴. اسکندربیک ترکمان، ۲/ ۷۶۳، ۷۶۴، ۳/ ۹۸۶؛ واله قزوینی، ۶۸۰، ۶۸۱.

۵. به مجموعه اصلاحاتی که برای ایجاد ارتشی مجزا از ینی‌چریان صورت گرفت، نظام جدید گفته می‌شد (Pakalın, 3/ 703).

6. Sekban-I cedit

۷. شوکت، ۲/ ۶؛ 149. Pakalın, 3/

برای مهار آنان بود.^۱ این نیروی جدید، صرفاً به دلیل وظایف نظامی، سگبان نامیده شد و در این نامگذاری به مفهوم و وجه تسمیه اولیه سگبانان توجهی نگردید.^۲

سگبان جدید، به عنوان هشتمین اوجاق نیروهای نظامی عثمانی، اوجاق مستقلی محسوب می‌شد.^۳ این سگبانان با لباس‌های متحدالشکل در سه بلوک به رنگ‌های سفید، سرخ و سبز، ترتیب یافته بودند و وظیفه آموزش ینی‌چریان را بر عهده داشتند.^۴ بدین ترتیب، سگبانانی به وجود آمدند که کاملاً از لحاظ وظایف با اسلاف هم‌نام خود تفاوت داشتند؛ اما تأسیس سگبان جدید و وظایف و اختیارات داده شده به آن، با عصیان ینی‌چریان روبه‌رو شد که در نتیجه آن علمدار مصطفی‌پاشا -بانی سگبان جدید- به قتل رسید و دولت عثمانی در سال ۱۲۲۳ ق مجبور به منحل کردن این دسته نظامی شد.^۵ بدین ترتیب، بخشی از سگبانان در مرکز دولت از میان برداشته شدند و کمتر از دو دهه پس از این رویداد (۱۲۴۰ ق/ ۱۸۲۶ م) کل تشکیلات سگبانان مرکز دولت همراه با اوجاق ینی‌چری برچیده شد.^۶

ب) ایالات دیگر.^۷ در ایالات عثمانی گروه‌هایی از میان روستاییان داوطلب انتخاب می‌شدند که برای نظامی‌گری و به منظور نیروی کمکی به ارتش ملحق می‌شدند.^۸ این گروه یکی از بخش‌های پنجگانه «یرلی‌قولی» (غلامان ایالتی) یا «سرحدقولی» (غلامان مرزی) را تشکیل می‌داد و معتبرترین بخش آن محسوب می‌شد.^۹ سگبانان یرلی‌قولی، نیروی نظامی پیاده‌ای بودند که تنها در زمان استخدام، مواجب دریافت می‌کردند و این مواجب از خزانه دولتی و یا به

۱. شوکت، ۲/ همانجا.

۲. برای وجه تسمیه اولیه سگبان نک. پژوهش حاضر، سطور پیشین.

۳. شوکت، ۲/ همانجا.

4. Uzunçarşılı, 1/ 505; Özcan, "sekban- i cedit" (in TDVIA).

۵. شوکت، ۲/ همانجا؛ Pakalın, 3/ İbid.

۶. برای اطلاع بیشتر در مورد روند انحلال تشکیلات سگبان و اوجاق ینی‌چری، نک. اسعد افندی، محمد، *أس ظفر*، ظفر، [بی جا]، مطبعه سلیمان افندی، ۱۳۳۷ ق.

۷. منظور از ایالات عثمانی، سرزمین‌های خارج از مرکز دولت است که تحت عنوان «بیگلربیگی/ میرمیران» و یا «سنجاق» در اختیار حکمرانان ایالتی بود.

۸. شوکت، ۱/ ۹، Özcan, "sekban" (in TDVIA).

۹. شوکت، ۱/ همانجا.

وسیله سنجاق‌بیگی‌ها و پاشا‌ها تامین می‌شد.^۲ این صنف از سگبانان جزو معدود گروه‌هایی بودند که مسیحیان نیز می‌توانستند در آن حضور یابند.^۳ سگبانان یرلی‌قولی زیر فرمان سگبان بلوکباشی و یا بیرقدار قرار داشتند و دارای پرچمی کوچک و غالباً سرخ‌رنگ بودند.^۴ چون سگبانان در ایام صلح از دریافت مواجب بی‌بهره می‌ماندند، برای گذران زندگی به راهزنی می‌پرداختند^۵ و با پیدایش شورشیان جلالی در سده ۱۱هـ در آناتولی، به آنان پیوستند؛ پیوستند؛ در نتیجه این رفتارها، جایگاه اجتماعی خود را از دست دادند^۶ و صنف پیاده‌نظام تفنگچی جایگزین آنان شد.^۷ از این تاریخ تا اواخر سده ۱۳هـ اطلاعی از این سگبانان در دست نیست تا این که در زمان سلطان عبدالعزیز(حک: ۱۲۷۷-۱۲۹۳هـ)، نیروهایی تحت عنوان دلی^۸، تفنگچی و سگبان برای محافظت از راه‌های ایالات استخدام شدند.^۹ در ایالات آناتولی سگبانانی برای مراقبت از محصولات کشاورزی در تابستان استخدام می‌شدند که برای تمایز از دیگر دسته‌های سگبان، «قیرسگبان» یا «قیر سیمنی» نامیده می‌شدند.^{۱۰} تاریخ ایجاد و دوره فعالیت قیرسگبانان نامعلوم مانده است، اما به احتمال قوی قیرسگبانان همان گروه مزدوری بودند که در اواخر دوره عثمانی در میان مردم آناتولی «سیمین» خوانده می‌شدند.^{۱۱} گروه دیگری از سگبانان ایالتی در سده ۱۱هـ در آناتولی بودند که یکی از مهم‌ترین دسته‌های سگبانان را تشکیل می‌دادند. نام این دسته، در تواریخ عثمانی، «صاریجه-سگبان»^{۱۲}

۱. برای اطلاع در مورد پاشا، نک. حجت فخری، ۱۳۳-۱۴۳.

۲. شوکت، ۱/ همانجا؛ Pakalm, 3/ 146.

۳. شوکت، ۱/ همانجا.

4. Pakalm, 3/ Ibid.

5. Özcan, Iibid.

۶. ابی السرور، ۲۸۱-۲۸۲، پانویس ۲؛ Özcan, Iibid.

۷. شوکت، ۱/ ۱۰.

۸. به معنی دیوانه و یا برگرفته از «دلیل» به معنی راهنما که در میان نیروهای نظامی اولیه عثمانی، به عنوان تکاور در جنگ‌ها شرکت می‌کرد.

۹. نوری پاشا، ۱۱۲/۳.

10. Pakalm, 2/ 271; Özcan, Iibid.

11. Pkalm, 3/ 147.

12. Saruca- Sekban

و در اسناد دولتی، «صاری سگبان» (سگبان زرد) ذکر شده است.^۱ صاریجه-سگبانان با هدف تأمین امنیت و آسایش رعایا در برابر حملات راهزنان به سپاه بیگلربیگی‌ها و سنجاق‌بیگی‌ها ملحق می‌شدند.^۲ با توجه به اینکه این دسته از سگبانان نیز به گروه‌های جلالی پیوستند و به راهزنی دست گشودند، به عنصری مخرب در سرزمین‌های عثمانی تبدیل شدند؛ به همین سبب در اوایل سده ۱۲هـ این گروه منحل شد و وظایف آنان به «ضبطیه» (نیروی انتظامی عثمانی) محول گردید.^۳

نتیجه

شغل سگبانی مانند بسیاری از سمت‌های اداری، نظامی، درباری و قضایی در طول تحولات تاریخی، به لحاظ مفهوم و محتوا، وظایف و تشکیلات، دستخوش دگرگونی‌های بسیار عمیق ماهوی و صوری شد؛ چندان که نمی‌توان آن را در دوره‌های مختلف به معنایی ثابت به کار برد و تلقی واحدی از آن داشت. سگبانان که در عصر متقدم عثمانی، عنصری درباری به شمار می‌آمدند، برای رفع کمبود نیرو و الزامات نظامی و به عنوان نیروی کمکی به ارتش عثمانی ملحق می‌شدند؛ این الحاق سبب گردید که سگبانان، تجربه نظامی‌گری را در کنار وظایف درباری کسب کنند. به همین سبب از آنان برای مهار ینی چریان، قدرتمندترین نیروی نظامی عثمانی و ایجاد توازن قدرت در سازمان ارتش استفاده شد. این مقصود با ادغام سگبانان در اوجاق ینی‌چری محقق شد و آنان به شکل منظم‌تری به زیرشاخه‌های دیگر تقسیم شدند. با این ادغام، فرمانده سگبانان (سگبان‌باشی) به درجات بالای نظامی دست یافت و سبب افزایش اهمیت سگبانان گردید. به مرور زمان اهمیت نظامی سگبان چندان افزایش یافت که از آنان تنها در امور نظامی استفاده می‌شد. این چنین بود که پس از تشکیل «نظام جدید»، به سپاه تازه‌تأسیس عنوان سگبان داده شد. در ادامه همین روند، به افرادی که جهت انجام وظایف نظامی و انتظامی در ایالات استخدام می‌شدند، سگبان گفته می‌شد. این برداشت کاملاً نظامی از عنوان سگبان، تحت تأثیر وظایف سگبانان پس از ادغام با ینی چریان بوده است.

1. Pakalın, 3/ 147; Özcan, Iibid.

2. Pakalın, 3/ Iibid.

3. هامرپورگشتال، ۴/ ۲۷۳۹؛ Özcan, Iibid; Pakalın, 3/ Iibid.

کتابشناسی

- آقسرای، محمود بن محمد، *تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار و مسایرة الاخيار*، تصحیح عثمان توران، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲ش.
- ابو الرجاء قمی، نجم الدین، *تاریخ الوزراء*، تصحیح محمدتقی دانش پزوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- ابی السور، محمد بن محمد، *المنح الرحمانية فی الدولة العثمانية و ذیلة اللطائف الربانية علی المنح الرحمانية*، چاپ لیلی الصباغ، دمشق، دارالبشائر، ۱۴۱۵هـ/ ۱۹۹۵م.
- اسعد افندی، محمد، *اس ظفر*، [ابی جا]، مطبعه سلیمان افندی، ۱۲۳۷ق.
- اسکندربیک ترکمان، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ش.
- تاریخ سیستان*، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران، کتابخانه زوار، [ابی تا].
- تاورنیه، ژان بابتیست، *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری (نظم الدوله)، با تجدید نظر و تصحیح حمید شیرانی، اصفهان، کتابفروشی تایید، ۱۳۳۶ش.
- توزک جهانگیری، نورالدین محمد، *جهانگیرنامه*، تصحیح محمدهاشم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ش.
- جوادپاشا، احمد، *تاریخ عسکری عثمانی*، استانبول، قرق انبار مطبعه‌سی، ۱۲۹۹هـ.
- جوینی، علاءالدین عظاملک، *تاریخ جهانگشا*، تصحیح محمد قزوینی و سید شاهرخ موسویان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۵ش.
- الخطیب، مصطفی عبدالکریم، *معجم المصطلحات و القاب التاريخية*، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۶هـ/ ۱۹۹۶م.
- دروویل، گاسپار، *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران، شبانویز، ۱۳۷۰ش.
- شاردن، ژان، *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۴ش.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی، *مجمع الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۱ش.
- شوکت، محمود، *عثمانلی تشکیلات و قیافت عسکریه‌سی*، [ابی جا]، مطبعه مکتب حربیه، ۱۳۲۵هـ.
- صابان، سهیل، *المعجم الموسوعی للمصطلحات العثمانية التاريخية*، ریاض، مکتبه الملك فهد الوطنیه، ۱۴۲۱هـ/ ۲۰۰۰م.
- عفیف، شمس سراج، *تاریخ فیروزشاهی*، تصحیح ولایت حسین، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵ش.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴ش.
- عین علی افندی، *قوانین آل عثمان در خلاصه مضامین دفتر دیوان*، [ابی جا]، تصویر افکار، ۱۲۸۰هـ.

- فخری، حجت، "پاشا و پاشایی در امپراتوری عثمانی"، مجله مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۴، زمستان ۱۳۳-۱۴۳ هـ.
- قوچی بک، رساله، [بی جا]، طبعخانه موسیو واطس، ۱۲۷۷ هـ.
- کارری، فرانچسکو جملی، سفرنامه، ترجمه عبدالعلی کارنگ و عباس نخجوانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- کمپفر، انگلبرت، در دربار شاهنشاه ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، طهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰ ش.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، مسکو، فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، ۱۹۷۶ م.
- نشانچی، محمد پاشا، تاریخ نشانچی، [بی جا]، طبعخانه عامره، ۱۲۷۹ هـ.
- نصیری، میرزا علی نقی، القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی، تصحیح یوسف رحیم لو، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱ ش.
- نوری پاشا، مصطفی، نتائج الوقوعات، چاپ محمد غالب، استانبول، اخوت مطبعه‌سی، ۱۳۲۷ هـ.
- واله قزوینی، محمد یوسف، ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم (خلد برین)، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
- وفیق بک، عبدالرحمن، تاریخ مالی، استانبول، مطبعه قناعت، ۱۳۳۰ هـ.
- هامرپورگشتال، یوزف، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۷ ش.

- Hezarfen, Hüseyin Efendi, *Telhisül-beyan fi kavanin-i Al-i Osman*, Hazırlayan Sevim İlgürel, Ankara, Türk Tarih Kurumu, 1998.
- Küçük, Hülya, *The role of The Bektashis in Turkey,s National struggle*, Leiden, brill, 2002.
- Lybyer, Albert Howe, *The Government of Ottoman Empire in the time of Suleiman The Magnificent*, Harvard university press, 1913.
- Neşri, Mehmet, *Kitab-i cihan-numa*, Ankara, Türk Tarih Kurumu, 1995.
- Nicolle, David, *Constantinople1453-The end of Byzantium*, Oxford, Osprey publishing, 2000.
- Özcan, Abdülkadir, "sekban", c 36, pp 326- 328, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 2009.
- İdem, "sekban-i cedid", c 36, pp 328- 329, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 2009.
- Pakalın, mehmet zeki, *osmanlı tarih deyimleri ve terimleri sözlüğü*, İstanbul, milli eğitim basımevi, 1971.

Uzunçarşılı, İsmail Hakkı, *Osmanlı devleti teşkilatından kapukulu ocakları*, Ankara, Türk Tarih Kurumu, 1988.

Virginia H. Aksan, s.v. "segban", in EI².

www.ganjoor.net

Archive of SID